

دختر محو ک عمر نه لکه از جانم قربانت کردم نامه پیر از مهر و صفا تو را لید برار مرتبه دلیدم بر  
بیره نهادم دختر همچون من و بچه بلام همیشه ذکر خیر شما هستیم و من آرزو دارم تا دنده بیستم بگردد بگردد

صورت تشنگ و جدیت را بدینم و ای انوس دختر همچون عمر نه لکه از جانم دارا لکه فرزند اهر

۲ دختر پیر او سال دوم نیز فلکی است یعنی دو دختر دریم مهران امیر ۲ بچه نلو فر آرین مسود

دارا ۲ بچه عاطفه و لهریا چشم ۲ هر عا و محمد رضا شهر ۲ دختر پلایا فراموش کردم

اسم بچه ها لکه از جانم لبت دل آرام دختر همچون از عالم بخیر خوب و ای انوس که

عمرترین زود گذر است از چشم پیر لید چشم راستم را عمل کردم البته دکتر خوب لید لیر که الم

دعوتک اختیاج بت باشد خیل را منی بیستم دید آن کاملاً خوب و چشم چشم را هم بسوز وقت

ن شده که عمل کنم از هر اب خال بخواید خوب سلام میرساند و برار لیرش تا نزد کرد

تد دختر خاله جودش خاله حال هم خوب ۲ روز پیشی رنگ زدند و گفتند از زاله چه خبر

مستم میبندم چرا جواب نامه گزیده آقا داد خواه یا حامشان سلام میرساند نظایر سلام

شاکانه میرساند که در جهان عزیزم بترن و مهر داد را از راه دور میسوسم برار مرتبه تمام ما میل

ام میرساند دختر همچون شماره تلفن خودت بر این بیره شماره تلفن اینها

تد لهر لور ماه عروسی دختر فریده است با تمام بچه ها

برای عروسی دعوت دارم قربانت بروم برار برار برار مرتبه